

سیمای سوره اخلاص

♦♦ حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رضایی

❁ کلیات:

سوره توحید در مکه بر پیامبر ﷺ فرود آمد، و دارای چهار آیه و ۱۵ کلمه و ۴۷ حرف است.

این سوره بعد از سوره «ناس» و قبل از سوره «نجم»، به عنوان بیست و یکمین سوره قرآن نازل شده است.

اما در چینش کنونی قرآن، صد و دوازدهمین سوره به شمار می آید. نام های این سوره عبارتند از: اخلاص، توحید، الأساس، نسبة الرب (یعنی شناسنامه پروردگار)، نور، نجات، قل هو الله، و الصمد، که این دو نام اخیر از آیات اول و دوم سوره گرفته شده، و نام های دیگر، از مضامین و لوازم و صفات سوره است.

❁ فضیلت:

در حدیثی از پیامبر ﷺ حکایت شده: آیا کسی از شما ناتوان است که در یک شب ثلث قرآن را بخواند؟

برخی از یاران پرسیدند: چه کسی می تواند چنین کند؟

حضرت فرمودند: سوره توحید را بخوانید. (۱)

در حدیثی از امام سجاد حکایت شده: «خدای متعال می دانست که در آخر از زمان اقوامی ژرف نگر می آیند از این رو سوره توحید و آیات آغاز سوره حدید را نازل کرده، و هر کس و رای آن را طلب کند هلاک می شود.» (۲)

۱. مجمع البیان / ج ۱۰ / ص ۵۶۱.
۲. اصول کافی / ج ۱ / باب النسبه / ح ۳.

البته روشن است که از این ثواب‌ها، برای خواندن، همراه با ژرف‌نگری و تفکر و حرکت در راستای توحید است.

❀ اهداف سوره:

هدف اصلی این سوره روشن ساختن ابعاد توحید است.

❀ مطالب فرعی:

۱) اشاره‌ای به توحید ذات و صفات. (آیه ۱ و ۴)

۲) بیان اینکه خدا مطلوب و مقصود نهایی موجودات است. (آیه ۲)

۳) نفی عقاید مسیحیان و یهودیان در مورد فرزند داشتن خدا. (آیه ۳)
قرآن کریم در سوره توحید با اشاره به توحید ذات و صفات خدای فرماید:



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ خدایوند بخشاینده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ

بگو او است خدای یکتا ۝ خداوند است ستمند ۝ نه زاید

وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

و نه زاده شده ۝ و نودش ۝ همتا ۝ کسی

❀ شأن نزول:

داستان نزول سوره اخلاص اینگونه حکایت شده که گروهی از مردم کافر (۳) از پیامبر ﷺ خواستند که خدا را برای آنان وصف کند و پیامبر ﷺ سه روز سکوت کرد تا سوره اخلاص فرود آمد و خدا و صفات او را معرفی کرد. (۴)

❀ نکات و اشارات:

۱- سوره توحید را شناسنامه خدا دانسته‌اند، یعنی در این سوره خدا را با نام معرفی می‌کند و نسب او را مشخص می‌سازد که پدر و مادر نداشته و فرزندی نیز ندارد؛ و در جملاتی کوتاه خدا را نسبتاً به صورت کامل معرفی می‌کند.

۲- در جهان بینی اسلامی خدا یکی است و تنها او سرچشمه همه قدرت‌ها و خوبی‌هاست و فقط او شایسته پرستش است. یعنی روح توحیدی در تمام عقاید و اعمال مسلمانان جاری است و محور اصلی دین اسلام توحید است که همچون روحی، در کالبد دین دمیده شده است.



۳. در برخی از روایات پرسشگر را از یهود، و در برخی دیگر از مشرکان معرفی کرده‌اند. و نام او را عبدالله بن صوری یا عبدالله بن سلام گفته‌اند. اما با توجه به مکی بودن سوره، احتمال سوم (مشرکان) قوی‌تر است. ولی مانعی ندارد که برخی یهودیان یا مسیحیان در سفر مکه از پیامبر ﷺ پرسش کرده باشند یا هر سه گروه یک مطلب را پرسیده باشند.
۴. بحار الانوار، ج ۳/ص ۲۲۱، المیزان/ ج ۲۰/ص ۵۴۶، نمونه/ ج ۲۷/ص ۴۲۸.

ملکا ذکر تو گویم که تو پاک و فدایی
 نرود جز به همان ره که توام راهنمایی
 همه درگاه تو بوییم، همه از فضل تو بوییم
 همه تو امید تو گویم که به تو امید سزایی (۵)

۳- توحید دارای تقسیمات متعددی است:

الف: براساس یک تقسیم، توحید به چهار شاخه تقسیم می شود:

۱. توحید ذاتی: یعنی اینکه خدایکی است و هیچ شریک و همتایی ندارد.
۲. توحید صفاتی: اینکه صفات خدا از ذاتش جدا نیست. همانطور که این صفات از همدیگر جدا نیست بلکه همگی عین ذات است.
۳. توحید افعالی: یعنی اینکه سبب و علل اصلی هر وجود و حرکتی که در جهان است خداست.

۴. توحید عبادی: اینکه مردم باید تنها او را بپرستند و غیر او شایسته پرستش نیست. البته در قرآن کریم به همه این شاخه ها و مراتب توحید اشاره شده (۶) اما در سوره فوق توحید ذاتی و صفاتی یادآوری شده است.

ب: در تقسیم دیگری توحید به چند شاخه ی: توحید در خلاقیت، توحید در ربوبیت، توحید در قانون گذاری، توحید در مالکیت، توحید در حاکمیت و توحید در اطاعت تقسیم می شود، و در قرآن کریم به این شاخه ها و مراتب اشاره شده است. (۷)

۴- فلاسفه و متکلمان و مفسران قرآن برای توحید دلایل متعددی ارائه کرده اند که در اینجا فقط آنها را یادآوری می کنیم:

الف: برهان صرف الوجود: یعنی خدا وجود مطلق است که هیچ قید و شرط، و حدی ندارد. و اگر محدودیتی پیدا کند، عدم در او راه می یابد و چیزی غیر از او نیست که محدودیت و عدم را بر او تحمیل کند. و دو هستی نامحدود هم تصور نمی شود چون حتماً یکی فاقد کمالات دیگری می شود و محدود می گردد، پس فقط یک خدای نامحدود وجود دارد.

ب. برهان وحدت نظام و انسجام جهان، یعنی وحدت نظام هستی و قوانین حاکم بر آن و انسجام اجزای آن، نشان می دهد که «یک خالق» و «یک اراده» بر آن حاکم است، پس جز خدای یکتا وجود



۵. سنایی غزنوی.

۶. نک: حمد/ ۵ و انفال/ ۱۷.

۷. نک: رعد/ ۶ و انعام/ ۱۶۴ و مائده/ ۴۴ و

آل عمران/ ۱۸۹ و انعام/ ۵۷ و نساء/ ۵۹.

ندارد. این برهان با پیشرفت علوم بشری هر روز روشن تر می شود. همه آفریننده‌ات بالا و پست تویی آفریننده هر چه هست همان (را بدین فوبی آراستی برون زان که یاریگری فواستی) (۸) ج: برهان تمناع که ذیل آیه ۲۲/ انبیاء بیان شد، که اگر بیش از یک خدا باشد جهان به فساد و تباهی کشیده می شود. (مرحوم علامه شهید مطهری با یک نگاه فلسفی عمیق، سرفساد و تباهی عالم را در صورت تعدد خدایان بیان کرده اند که به جلد ۵ اصول فلسفه و روش رئالیسم مراجعه نمایید)

د: دلیل دیگر، دعوت عمومی پیامبران الهی به سوی یک خداست، یعنی اگر خدای دیگری بود پیامبری می فرستاد و ما را از وجود خویش آگاه می ساخت. (۹)

۵- سوره توحید با واژه «قل» یعنی «بگو» شروع می شود، این مطلب از طرفی به وظیفه پیامبر ﷺ اشاره دارد که اظهار مطالب توحیدی و بیان مطالب مخفی برای مردم است. و از طرف دیگری به حفظ وحی، و دقت در بیان آن اشاره دارد. چراکه پیامبر حتی واژه «بگو» را برای ما نقل کرده است. یعنی هیچگونه تغییر و تصرفی در وحی ننموده است.

۶- واژه «هو»، ضمیر مفرد غایب است که اشاره به ذات مقدس الهی دارد که در نهایت خفاء است، و او از دسترس افکار محدود و دید چشم ها و حواس بشر بیرون است، هر چند که آثار او در جهان آشکار است. (۱۰)

ای برتر از فیال و قیاس و گمان و وهم

و زهر چه گفته اند و شنیدیم و فوانده ایم

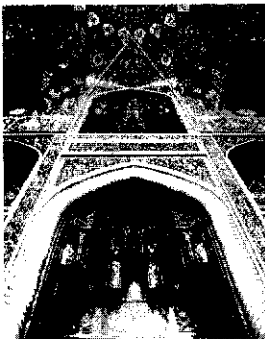
مجلس تمام گشتت و به آفر رسید عمر

ما همپنان در اول وصف تو مانده ایم (۱۱)

۷- واژه «الله» اسم خاص خداست، که به ذات دارای تمام کمالات اشاره می کند.

و معنای اصلی آن معبود، معشوق یا کسی است که عقل ها در مورد او حیران است. (۱۲)

نام «الله» بیش از همه نام های خدا در قرآن آمده است، و بیش از



۸. نظامی کنجوی.

۹. همان.

۱۰. نک: رعد/ ۶ و انعام/ ۱۶۴ و مائده/ ۴۴

و آل عمران/ ۱۸۹ و انعام/ ۵۷ و نساء/ ۵۹.

هزار بار در قرآن، تکرار شده است.

۸- واژه «اِحد» در اصل به معنای وحدت و یکتا بودن است، و اشاره به ذاتی دارد که از هر نظر بی نظیر و منفرد است، ذات، علم و قدرت او یگانه است و ماندنی ندارد. ذات یکتایی که در ذهن، و در خارج از ذهن قبول کثرت نمی کند. (۱۳)

۹- در حدیثی حکایت شده که در روز جنگ جمل، مردی از امام علی علیه السلام پرسید: آیا می گویی خدا واحد است؟ واحد به چه معناست؟ برخی از یاران به آن مرد حمله کردند که چرا در هنگامه جنگ چنین پرسشی می کند، اما امام علی علیه السلام فرمودند: او را به حال خود بگذارید، زیرا آنچه را او می خواهد همان چیزی است که ما از دشمن می خواهیم! (و ما برای توحید می جنگیم).

سپس توضیح دادند که دو معنای «واحد»، در مورد خدا صحیح نیست؛ یکی اینکه وحدت عددی باشد، (یعنی خدا یکی باشد که دو داشته باشد.) و دوم آنکه وحدت نوعی باشد. (چون خدا نوع ندارد.) و دو معنای زیر واحد در مورد خدا صحیح است.

اول به معنای اینکه خدا در جهان شبیه ندارد. و دوم آنکه ذات خدا در خارج و عقل تقسیم پذیر نیست. (۱۴)

۱۰- واژه «صمد» در اصل به معنای قصد است، و اینکه به خدا صمد گویند به خاطر آن است که مردم قصد درگاه او می کنند. البته برای «صمد» معانی دیگری نقل شده مانند: صلابت و نیز به معنای آقا و بزرگی که دیگران برای انجام کارهای خود به سوی او می روند. و یا به معنای چیزی که تو خالی نیست. (۱۵) از این رو در کلمات مفسران و احادیث معانی متعددی برای صمد بیان شده است، که معمولاً با معانی لغوی همخوان است.

۱۱- یکی از معانی لغوی صمد، چیزی است که تو خالی نیست. و در حدیثی از امام حسین علیه السلام نیز همین معنا حکایت شده است. و در علم فیزیک نیز بیان شده که همه موجودات از اتم ساخته شده اند که تو خالی است، یعنی فضای خالی بسیاری بین الکترون ها و هسته مرکزی اتم وجود دارد، به طوری که اگر این فاصله ها برداشته شود حجم اجسام بسیار کوچک می شود.



۱۱. سعدی.

۱۲. در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» توضیح دادیم که «الله» از ریشه «وله» یا «اله» یا ... است.

۱۳. برخی مفسران بین «اِحد» و «واحد» فرق گذاشته اند و گفته اند که «اِحد» به ذاتی گفته می شود که قبول کثرت نمی کند و داخل اعداد نیست اما «واحد» دوم و سوم برای آن تصور می شود. (المیزان/ ج ۲/ ص ۵۴۳) اما برخی مفسرین این تفاوت را با موارد استعمال آن دو عدد در قرآن و احادیث سازگار نمی دانند. (نمونه/ ج ۲۷/ ص ۴۵۳).

۱۴. بحار الانوار/ ج ۱۳/ ص ۲۰۶. (با تلخیص)

۱۵. نک. مقایس الفه و مفردات راغب و...

از این رو برخی افراد نوشته اند که این آیه اشاره به نفی جسمانیت از خداست. یعنی همه موجودات از اتم های تو خالی تشکیل شده اند اما خدا همچون اتم، جسم تو خالی نیست. (۱۶)

۱۲- برخی یهودیان معتقد بودند که عزیر پسر خداست؛ و غالب مسیحیان نیز معتقدند که عیسی پسر خداست؛ و مشرکان عرب نیز فرشتگان را دختران خدا می دانستند؛ ولی قرآن کریم در این سوره، همه این عقاید خرافی را نفی می کند که خدا نه زائیده شده و نه می زاید و فرزندی ندارد.

۱۳- در برخی احادیث از امام حسین علیه السلام حکایت شده که فرمود: مقصود از «لم یلد ولم یولد» آن است که خدا برتر از آن است که چیزی مانند نفس و عوارض گوناگون آن مانند خواب و خیال و اندوه و خوشحالی و خنده و گریه و گرسنگی و سیری، از او سرزند.

و نیز برتر از آن است که از چیز مادی و لطیف متولد گردد. (۱۷) البته این حدیث اشاره به بطن آیه دارد، یعنی معنای «تولد» را گسترش داده، تا هرگونه خروج و نتیجه گیری چیزی از چیز دیگر را شامل شود.

۱۴- واژه «کفو» به معنای همپراز در مقام و منزلت است. و به هرگونه چیز شبیه و همانندی گفته می شود.

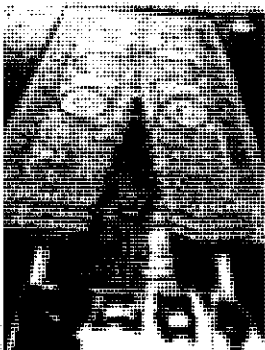
یعنی خدا همانندی ندارد تا با او همتا گردد و شبیهی ندارد تا با او مساوی باشد. این آیه تمام عوارض و صفات مخلوقات را از ذات خدا منتفی می کند و هرگونه نقص و محدودیت را از او نفی می کند. و این همان توحید ذاتی و صفاتی است.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (۱۸)

❁ آموزه ها و پیام ها:

- ۱) آموزه این سوره آن است که پیام توحیدی اسلام را اعلام کنید.
- ۲) پیام این سوره آن است که هستی، آهنگ خدا کرده است.
- ۳) پیام دیگر سوره آن است که دنبال حسب و نسب خدا نگردید که او تنهاست.
- ۴) پیام دیگر سوره آن است که خدا را به یکتائی و بی همانندی بشناسید.



۱۶. و این آیه می تواند یکی از معجزات علمی قرآن باشد. (نمونه / جلد ۲۷ / ص ۴۴) البته پذیرش اعجاز علمی در این مورد مشکل و بعید است؛ چون آیه بر این مطلب دلالت روشنی ندارد.
۱۷. بحار الانوار / ج ۴ / ص ۲۲۴.
۱۸. سنایی غزنوی.